

## ویژگی‌های شخصیتی به آذین<sup>۱</sup>

به آذین در شهریور ماه ۱۳۲۰ در حمله متفقین به ایران در حمله هوایی در ساحل غازیان انزلی مورد اصابت ترکش بمب قرار گرفت و دست چپ خود را از دست داد و پاشنه پایش زخمی شد. علیرغم از دست دادن دست و ایجاد معلولیت بدنی و علیرغم مضیقه‌های مالی ناشی از منتظر خدمت شدن پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و علیرغم فشارهای زیادی که بطور روزمره بر او وارد می شد که ناشی از طبع بلند و سازش‌ناپذیر او در دروغ‌نویسی در فساد رایج سیستم اجتماعی آن دوران بود بسیار سربلند، متکی به خود، راستگو و درستکار، نظربلند، با جذبه و جدی و در عین حال نکته‌سنج و بذله‌گو و باروحیه بود. او نه تنها در اثر کمبود های جسمی و فشارهای مالی روحیه خود را هیچگاه نباخت بلکه با اراده و پشتکار باورنکردنی و حیرت‌انگیز و با کمک هوش بالای خود چنان آثاری خلق کرد و چنان تاثیر بزرگی بر فرهنگ ایران برجا نهاد. و این نکته جالب و تحسین برانگیز است که او هیچگاه به هیچ احدی، حتی به همسر و فرزندان خود، اجازه ابراز دلسوزی نمی‌داد و اگر احیانا حرکتی و یا گفته‌ای این شائبه را می‌رساند، عکس‌العمل تند و سوزاننده او را به دنبال داشت که فرد را پشیمان می‌کرد. به این علت معمولاً همه مواظب بودند که چنین اشتباهی مرتکب نشوند. او همه کارهای زندگی را، بجز کوتاه کردن ناخن دست بجامانده‌اش، خود انجام می‌داد: استحمام، باز و بستن کراوات، بستن بند کفش، پوست کندن میوه و... و... و...

---

<sup>۱</sup> نقل از مقاله درباره به آذین، نوشته کاوه اعتمادزاده، برگرفته از کانال تلگرامی سپهر به آذین با لینک زیر <https://t.me/etkaveh>

او طبع نقاشی داشت. طرح‌های مدادی از او به یادگار مانده. او در هدایت و تشویق فرزنداناش که در رشته‌های نقاشی و تصویرگری مشغول بودند نقش برجسته‌ای داشت.

او دانش شعری داشت و دارای طبع شاعری هم بود و اشعاری از او بجا مانده. سیاوش کسرای در تدوین شعر حماسی **آرش کمانگیر** با او مشورت داشته و مقدمه‌ای که او بر آن کتاب نوشت، در آن دوران یاس و دلمردگی پس از کودتای ۲۸ مرداد، تاثیر بسزایی در فضای اجتماعی گذاشت. آن شعر اولین بار با صدای خود شاعر، در خانه به آذین واقع در خیابان ایران ضبط شد. خط او بسیار زیبا و پخته بود.

او علیرغم عشق به زندگی و احساس لطیفی که داشت برخوردی قوی و از بالا به مرگ داشت. در سال‌های آخر این متن را نوشت:

**من نه با اشک حسرت، که با لبخند خواهم مرد**

**طنزی نه چندان تلخ بر لب ... م.ا. به آذین**

و عجب که در وصیتنامه خود آگهی درگذشت خود را پیشاپیش می‌نویسد: چه تاثیرگذار و تکان‌دهنده و نیز فروتنانه و در پایانش با اشاره‌ای به شعر خیام شاعر بلنداندیش ایران:

**به یاد تو و به نام تو، ای همه تو**

**محمود اعتمادزاده، فرزند زمین به مادر پیوست**

**آمد مگسی پدید و ناپیدا شد.**

**با درود و بدرود.**

**همسر: ربابه لنکرانیان فرزندان.....**

می‌توان گفت بزرگترین شاهکار به آذین زندگی او بود...